

مدیر مسئول : زینب دانشگر

سر دبیر : شادی دشتی

طراح و صفحه آرا : فاطمه هادی نسب



فهرست

- ۱..... پدرانہ
- ۲..... دانشجویانہ
- ۳..... یقیمون الصلات یا
- ۴..... داستان او.....
- ۵..... امتحان سرنوشت ساز.....
- ۶..... دیبی نوشت.....
- ۷..... ولنتاین.....



پدرانہ ✕

share by فاطمہ سلیمانی

#پدرم هیچ وقت نگفت دوستت دارم همیشه ثابت کرد

share by محدثہ السادات شامیری

#پدر ، آن قهرمانی که سنگینی بارِ خواسته همامن کمرش را خمیده کرد و بی منت، تمام عمرش را صرفِ عملی کردنِ آن «دوستت دارم» هایی کرد که نتوانست بر زبان بیاورد...

share by فاطمہ زارع زردینی

#پدرم در همه خاطره هایم پیداست
#پدرم یک غزل خسته ولی پر معناست

share by مهدیه سلطانی

#پدر یعنی من هستم تا آب تو دلت تگون نخوره،
#پدر یعنی حامی یعنی پشتوانه یعنی یک آغوش امن
الهی که سایه اشون از سرتون کم نشه

share by مهسا دهقان

کوه دماوندی که از بیرون استوار تراز زمین است و اما دلش پراز چین و شکستگی هاست هر روز، هر سال... درخود میشکند و آتشی دارد که فقط خود شاهد آن است، اما ظاهرش همچنان پا برجاست.

share by زهرا مورعابدی

+آنقدر نیک خصالید که مانده ام،
«حب» را عشق بخوانم یا #پدر..♥

share by نازنین کفیری

خاکیم و علی -علیه السلام-
ابوتراب است.

share by سمیه احمدی

تو بیش از آنچه تصورش را بکنی در زندگی من نقش داری؛ مثل خورشید که نمیداند حیات چه چیزهایی بدو وابسته است. بمان و بتاب و روشن و گرم کن ☀

دوست دارید جملات
زیبای شما هم
دیدہ شود؟

به آیدی @Dashtish
در پیامرسان ایتا پیام
دهید.

دانشجویانه

گیر پاژ

دستت بهم
بخوره جیغ
میزنم! آدم که
مرغ زنده
نمیخوره
مسلمون!

سلف

بچه ها! خیلی کلاستون دلگیره خیلی
تیره میپوشید! از جلسه بعد روسری
ها و مانتو های رنگی و زیبا بپوشید.

چشم
استاد

جلسه بعد

دختر!! چرا اصلا یک دست و مرتب
لباس نمیپوشید؟ تو بقیه دانشگاهها
دخترها مقنعه میپوشن و مرتبن! یکم
ناد بگیرید!

?

نماز خانه
ببخشید... استراحتگاه

چقدر هوا
سرورده...

آخیش
اینجا گرمتره

شادی دشتی

یقیمون الصلاة یا یصلون الصلاة؟

در قرآن ، آیات متعددی به اقامه نماز توسط مومنین جامعه اشاره شده است ؛ شایسته است در تدبر این دو کلمه ی پر مفهوم ابتدا معانی کلمات را به خوبی دانسته و از خود پرسیم: "چرا خداوند به جای یقیمون الصلاة یصلون الصلاة استفاده ننموده است؟"

در لغت ، یصلون الصلاة به معنای نمازگزاردن است اما در یقیمون الصلاة ، به برپا داشتن نماز تاکید شده است؛ بنابراین خوب است که این آیه پرمعنا را تنها با دید دولا و راست شدن و خواندن ظاهری نماز نگاه نکنیم ، بلکه به این مهم توجه کنیم که باید جامعه را نماز خوان کرد

و به صورت همه جانبه نماز را به پا داشت ؛ به دیگر سخن باید روح نماز

را در جامعه زنده نمود. اینک هر کس خودش نمازش را خوانده و کاری به بقیه نداشته باشد عملش عملی نیست که نشأت گرفته از ایمان باشد . جامعه نماز خوان منظور جامعه است که دائماً به یاد خدا و در راه خداست؛ منظور از جامعه نماز خوان ، جامعه ای است که به جزء جزء نماز خود متوجه باشد و به آن عمل کند ، یعنی اگر می گوید ((ایاک نعبد و ایاک نستعین)) در عمل جز خدا را معبود قرار نداده و از کسی جز الله

استعانت نجوید ، اگر می گوید ((غیر المغضوب علیهم)) ، از دنبال روان فساد ، که ((ضالین)) هستند ، تبری بجوید.

جامعه نماز خوان یعنی یک جمله ، اینکه نماز ، سمبلی شود برای ذکر خدا و توجه و جهت گیری خدایی جامعه .

آنچه خواندید برداشتی از سخنان آیت الله خامنه ای رهبر حکیم انقلاب است که در سال ۱۳۵۳ در مشهد مقدس ایراد کرده اند . علاقه مندان می توانند تفصیل این موضوع و موضوعات دیگر را در کتاب "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" بیابند.

در پیام اخیر آیت الله خامنه ای که بر اقامه نماز تاکید شد ، دانشگاه فرهنگیان و دانشجویان مخاطبان خاص این پیام قرار گرفتند که این بر اهمیت و لزوم انسان سازی به دست دانشجو معلمان و معلمان آینده تاکید دارد .

صدور این پیام در این زمان که در مرحله دولت اسلامی قرار داریم و دستیابی به این مرحله مهم با تربیت مدیر میسر میشود ، راهبردی تمدن ساز است ؛ به این معنا که با اقامه نماز می توان مدیران را از بطن جامعه ای که نماز را اقامه کرده است استخراج نمود .

آنچه از مسئولین دانشگاه های فرهنگیان توقع می رود تدبر و توجه به عمق این پیام می باشد تا در ادامه دانشجویان را نیز در مسیر تدبر در این امر عظیم سوق دهند .



او داستان

قلم می شکند و زخم دل سر باز می کند و واژگان شرمگین روی کاغذ می غلتند؛ قلم می لرزد که مبادا نتواند بنگارد چنان که شایسته است؛ می لرزد، شرم می کند اما شروع می کند! این قصه باید نگاشته شود و در گوش زمان تا ابد باقی بماند.

قصه از آنجایی آغاز شد که کعبه شد زادگاه پسری که نامش را خدا انتخاب کرده بود.

ندای غیب فاطمه را خطاب قرار داد که: «آن نوزاد را «علی» نام بگذار، زیرا او والا و برتر است؛ و این چنین کعبه شد نقطه آغاز داستان ما. داستان «او»، داستانی معمولی نیست؛ داستان غربت است و غریبی، ایثار است و فداکاری، خاردرد گلóst و استخوان در چشم، غصه هاییست بی شمار از جهل مردم!

بسیاری از سالهای کودکی «او» در محضر پیامبر سپری شد و «او» پرورش یافته ی مکتب محمدی بود. آن زمان که فروغ اسلام بر ظلمت شبه جزیره عربستان تابید، اولین مردی بود که ایمان آورد. آن زمان که برخی بزرگان جزیره العرب خواستگار ریحانه النبی بودند؛ خدا، «او» را به همسری حضرت زهرا (س) برگزید.

آن زمان که آن جنگجوی عرب عمرو بن عبدود فریاد هل من مبارز سر می داد و کسی را شهادت مقابله با آن پهلوان افسانه ای نبود، تنها «او» با شجاعت قدم در میدان نهاد و لا سیف الا ذو الفقار را به همه نشان داد و لا فتی الا علی هم آن زمان که خواهر عمرو، پیکر بی جان برادرش را دید در حالیکه زره قیمتی اش همچنان در تنش بود و حرمت وی حفظ شده بود تبلور یافت چرا که گفت: به راستی که برادرم توسط یک جوانمرد کشته شد.

آن زمان که در جنگ خیبر با مجاهدت های سربازان اسلام، قلعه ها یکی پس از دیگری فتح می شد ولی دژ قموص همچنان مقاومت می کرد پیامبر پرچم را به دست دوتن از صحابه مشهور خویش سپردند و آن دو یکی پس از دیگری بدون هیچ پیروزی به اردوگاه ارتش اسلام بازگشتند و آن زمان که پیامبر فرمودند: فردا این پرچم را به دست کسی می دهم که خداوند این دژ را به دست او می گشاید؛ کسی که خدا و رسول خدا را دوست می دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست می دارند، پیامبر این پرچم را به دست «او» سپرد و «او» با شجاعتی بی نظیر در خیبر را از جا کند؛ نه با قدرت جسم که با قدرت عظیم روح. آری خیبرگشایی برای آنکه کعبه می گشاید کار چندان دشواری نیست و علویان را همین بس که مولایشان را نه بشر می توان گفت و نه خدا می توان خواند پس هرچه گفته اند و می گویند و خواهند گفت قطره ایست از دریای فضائل امیرالمومنین که امتدادی به وسعت ابدیت دارد....

به قلم یگانه رحیمی حسین آبادی

روی صندلی ها آماده نشسته بودیم و منتظر پخش برگه های امتحان. با پایم روی زمین ضرب گرفته بودم: (با نام و یاد خدا امتحان را آغاز میکنیم، زمان آزمون شصت دقیقه است.)

برگه ها پخش شد با بسم الله شروع کردم و نام و نام خانوادگی را نوشتم خب برویم سراغ سوال اول.

فقط یک سؤال در برگه بود و آن هم اینکه انقلاب اسلامی که بود و چه کرد؟ از کجا باید شروع میکردم؟ از حرکت و جنبشی که نظام مرتجع و فاسد طاغوت را سرنگون کرده بود یا پدیده ای عجیب و همه گیر که در حال ریشه دواندن و گسترش در میان ملت های مسلمان دنیا بود و همه جهان را در بهت و حیرت فرو برده بود. از نظام جدیدی که تقابل حق و استکبار را رقم زده بود یا انقلابی که هدفی داشت به بلندای رسیدن به تمدن اسلامی. بالاخره به یک تعریف عام و جامع بسنده کردم: (انقلاب اسلامی یک مکتب و حقیقت فکری است که دارای سه ویژگی حرکت، ابتدا و هدف است.) و اینگونه به بسط این تعریف پرداختم که: (انقلاب اسلامی موجودی زنده است که با درگیری با جریان استبداد و بر علیه مدرنیته و شاید از زمان فتوای تحریم توتون و تنباکو آغاز و در سال ۱۳۵۷ ظهور و بروز کرد. این انقلاب مبتنی بر جریان فکری اسلام ناب است که درصدد تحقق حکومت دینی بر اساس مبانی اسلامی است و میخواهد نظام جدیدی بسازد که برای رسیدن به آن ۵ مرحله باید طی شود. نخست، انقلاب اسلامی است که با نفی حاکمیت طاغوت و تشکیل حکومت و تدوین قانون اساسی به مرحله دوم یعنی ساخت یک نظام اسلامی قدم گذاشت.

در مرحله دوم حضرت امام (ره) اقدام به نظام سازی نمونه ای در چارچوب قانون اساسی نمودند تا نمایشی از کارآمدی انقلاب اسلامی را رقم بزنند مانند تاسیس و تشکیل بسیج ملیونی و تاثیر آن در هشت سال دفاع مقدس. در مرحله سوم که ما اکنون در آن قرار داریم؛ دفاع مقدس، با ایجاد پذیرش جهانی ایران و تربیت نیروی جوان و مومن انقلابی، عامل انتقال از مرحله دوم به سوم، یعنی دولت اسلامی شد که با معیار الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می توان میزان تحقق رسیدن به اهداف را ارزیابی کرد. دولت اسلامی به معنای ایجاد ساختارهای لازم و ضروری برای ارتقاء سطح جامعه اسلامی در همه جوانب است.

مرحله چهارم جامعه اسلامی، به معنای برون داد واقعی اسلام، در سبک زندگی و ساختارهای کشور است که ما در صدد رسیدن به آن در دهه پنجم انقلاب اسلامی هستیم. و در نهایت در مرحله تمدن اسلامی، همه جوامع بر اساس یک الگوی واحد به سمت مسیری حرکت خواهند کرد که پایان آن آمادگی برای ظهور است؛ ان شاء الله.

عظمت و ابهت انقلاب اسلامی آنقدر بوده و است که دشمنان جهانی ما را مرعوب ساخته و تخت قدرت آنها را به لرزه انداخته است. این انقلاب روز به روز در حال گسترش و ریشه دواندن در میان ملت های مسلمان است تا جایی که به نفع وی شعار می دهند ، خطبه می خوانند و مقاله منتشر می کنند. با آغاز این پیروزیهای حق بر باطل، دشمنان قسم خورده ما با هم متحد شدند تا این انقلاب را با شروع جنگ تحمیلی به نمایندگی رژیم بعث عراق به زمین بزنند؛ اما این خیال خامی بیش نبود چرا که درخت این انقلاب با خون جوانان وطن آبیاری شده و توقفش نا ممکن است. این نظام مقدس همچنان زنده و پویا در حال حرکت به سمت قله ای است که به نزدیکی های آن رسیده و فشارها و مشکلات پیش از پیش شده است، اما این نظام با انسان سازی، مکتب سازی، الگوسازی و در نهایت تمدن سازی، علم سبز را با مدد و نصرت خداوند، به دست مهدی موعود (عج) خواهد داد؛ انشالله...

همه آنچه را که می دانستم نوشتم و بعد از آن با خود اندیشیدم که وطنم چه خون دلها خورده تا روزی اینچنین آزاده و سرافراز



اینجا آمریکا 1 است؛ آنجا که مجسمه آزادی مشعل خود را روشن کرده است و نور آزادی آن مشعل، جهان را روشن کرده است... اینجا، زندانیان سیاسی با عفو عمومی بالاترین مقام حکومتی 2، آزاد میشوند.

اینجا آزادی بیان، در دانشگاه آنقدر زیاد است که میتوان؛ توهین هایی در برابر یک مقام مهم دولتی 3 به حکومت نسبت داد؛ اما مشکلی برای کسی پیش نیاید حتی برای همان که میگفت آزادی بیان داریم اما آزادی پس از بیان نداریم...

اینجا افراد مشهور 4؛ عقاید خود را (هرچند اگر برخلاف قانون و عرف جامعه آمریکا باشد) میتوانند، در صفحه شخصی خود به اشتراک بگذارند و دوباره درسینمای آن کشور در فیلم های مختلف حضور پیدا کنند؛ حتی آنها اگر قانون آن کشور را زیر پا بگذارند و دستگیر شوند؛ یک ماه نشده آزاد میشوند 5؛ چون آمریکا ابرقدرتی ست مدافع آزادی...



اما در یک گوشه دنیا در ایران 6 جایی که هیچ بویی از آزادی بیان نبرده است:

یک فرد موفق و مشهور که پنج مدال المپیک برای ایران آورده است 7 را به سی سال زندان محکوم میکنند چرا که او در یک اعتراض بر علیه حکومت شرکت کرده است!

در آن کشور یک کارگردان مشهور که دو جایزه اسکار را از آن خود کرده 8، به خاطر انتقاد از رفتار پیروان یک دین 9 کنار گذاشته میشود و بازیگر معروفی 10 به خاطر توییت در نقد یک واقعه تاریخی 11 اخراج میشود و این نهایت خفقان است...

هیئات که یک کشور جهان سومی چه میداند آزادی بیان چیست...

پی نوشت:

1.Iran

Aiatollah Khamenei.2

Ali Bahadori Gahromi.3

celebrities.4

Traneh Alidoosti.5

USA.6

Klete Keller.7

Mel Gibson.8

Judaism.9

Gina Carano.10

The Holocaust.11



ولنتاین داشتیم وقتی ولنتاین داشتن مد نبود...!

یا مثلاً میگن: یه دست فروش کنار خیابون داشت خرس قرمز و شکلات میفروخت منم که دل رحمممم ، ازش خرید کردم!!! که در این گونه موارد هوش و ذکاوت والدین حرف اول و آخر رو میزنه.

در مورد جریان ولنتاین از هر بچه دبستانی و نوزاد قنداقی بپرسی به صورت کامل و با جزئیات برات در مورد تاریخچه ولنتاین توضیح میده که : توی قرن ۳م (همزمان با اوایل حکومت ساسانی) فرمانروایی در روم باستان بوده که کلودیوس دوم نام داشت .او عقاید عجیبی داشته . مثلاً اینکه :سربازی خوب خواهد جنگید که مجرد باشد (زیرا افراد مجرد دلبستگی کمتری دارند اما افراد متاهل دلبسته به زن و فرزند و...هستند) به همین سبب ازدواج برای سربازان امپراطوری روم ممنون و قدغن بوده . این فرمان به قدری جدی بود که هیچ کس ، نه جرات می‌کرد ازدواج کند ، نه جرات میکرد به دیگران کمک کند تا ازدواج کنند. 😊 اما کشیشی به نام والنتیوس یا ولنتاین، به صورت پنهانی، سربازی رومی را به عقد معشوقه اش در میاره. وقتی کلودیوس دوم از این ماجرا با خبر شد دستور داد تا والنتیوس را زندانی کنند. والنتیوس در زندان عاشق دختر زندانبان میشه . و در نهایت ولنتاین به جرم جاری کردن عقد عشاق و موارد دیگری اعدام میشه . بنابر این اون رو فدایی و شهید راه عشق میدونن و او نماد و سنبل برای عشق میشود .

عشق: میگن که کلمه عشق از ریشه «عَشَقَ» گرفته شده و به گیاهی میگن که دور چیزی می پیچه و اونو داخل خودش حل میکنه، و با خودش یکی میکنه! 😊

در ایران باستان روزی با عنوان روز عشق ♥ مشهور به «سپندارمذگان» وجود داشته . این روز مصادف با ۵ اسفند هست که البته یه عده ای میگن چون اون زمان ماه های سال ۳۰ روزه بوده و حالا که ۶ ماه اول سال ۳۱ روزه هست ۶ روز جا به جا شده و سپندارمذگان افتاده روز ۲۹ بهمن . به هر حال چه ۵ اسفند ، چه ۲۹ بهمن ، ما ایرانیان خیلیییی قبل تر از ولنتاین غری ها، روز عشق داشتیم .(این یعنی اصالت)

همه ساله حوالی روز ۱۴ فوریه یا راحت تر بگم ۲۵ بهمن خودمون ، هر کی رو که میبینیم در به در دنبال شکلات و خرس قرمز و ... هستش که یا اونو هدیه بده یا هدیه بگیره. و بعد دغدغه بعدی اینکه حالا این خرس و شکلات و آیفون و... رو چجوری ببره خونه ؟ و به خانواده چی بگه ؟ و از کجا آورده ؟ و... در این موقع هست که آدم چیز هایی رو میشنوه و میفهمه که جریان الکتریسیته (برق) از سر آدم میپره و یک عدد شاخ وسط پیشونیش سبز میشه !!! که مثلاً میگن : این آیفون ۱۴ رو دانشگاه بهم جایزه داده. (بعد پدر و مادر از همه جا بی خبر هم بخاطر این زحمت فرزندشون برای گرفتن جایزه ، کلی خوشحال میشن و از شادی در پوست خود نمیگنجن.)

حالا اگر از همین افراد غرب زده که همیشه مرغ همسایه برایشان غاز هست ، در مورد سپندارمذگان سوال کنیم در حالی که چشمایشون از تعجب گرد شده و چنتا علامت سوال بالای سرشون شناوره می پرسن : اصلا سپندارمذگان چیه؟! ☹️

سپندارمذگان روز گرامیداشت سپندارمذ(مامور مراقبت از زمین و تقویت باروری در جهان مادی) هست. در کتاب اوستا آمده که سپندارمذ(آرمیتی) دختر اهورامزدا (خدای زرتشتیان) هست . و در قسمت دیگری از اوستا آمده که اهورامزدا با سپندارمذ ازدواج میکند یعنی پدر با دختر خودش ازدواج میکند و در نتیجه این ازدواج فرزندی متولد میشن . (ازدواج با محارم در شریعت اسلامی پلید و ناپاک هست) و امروزه برای هیچ ایرانی مسلمان یا ایرانی غیرمسلمان ، این عشق ناپاک قابل ستایش و گرامیداشت نیست .

شایان ذکر است بعضی از جشن های ایران باستان از جمله عید نوروز همچنان با همان عظمت و شکوه سابق ، پابرجاست. و حتی برخی از سنت های اسلامی به آن راه یافته که مثلاً بر سر سفره هفت سین ، کتاب قرآن هم گذاشته میشود و تلفیقی از سنت های ایرانی و اسلامی است . اما ماجرای شبیه به آنچه در مورد سپندارمذگان بیان کردیم از آنجایی که مخالف با شریعت اسلامی و مخالف با عقل سلیم هست طی دوره های مختلف کنار گذاشته شده .

از سویی دیگر دیگر عده ای از صاحب نظران معتقدند سپندارمذگان ، جشن نوعی جن پرستی است . در قسمت های مختلف اوستا برخی از موجودات مورد پرستش قرار میگیرند ، از جمله امشاسپندان (فرشتگان مقرب) و ایزدان (فرشتگان معمولی). در کتاب اوستا در مورد چهره و ظاهر سپندارمذ چیزی نگفته اما در مورد دو فرزند او مطالبی بیان شده .

که مثلاً در وصف ایزدبهرام میگوید که به صورت های مختلفی ظاهر میشود: شبیه یک گاو زرد گوش ، یا یک شتر پرده ، و یا گراز تیز چنگالی خال خالی که پرواز هم میکند و شاخ هم دارد .

و در اوستا ایزدبهرام و ایزدمهر (دو پسر سپندارمذ) ستایش میشود . از این توصیفات اوستا مشخص میشه که این دو پسر سپندارمذ، جن هستند نه فرشته . پس مادرشان سپندارمذ هم باید جن باشد ، زیرا فرشته نمیتواند جن بزاید!!!

قرآن کریم میفرماید: کسانی که به گمان خود فرشتگان را میپرستند در حقیقت جنیان را عبادت میکنند. نه فرشتگان را: «وَيَوْمَ يُخْشِرُهُمُ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ. [سوره سبأ: 40-41] روزی که خداوند همه آنان را بر میانگیزد، سپس به فرشتگان میگوید: آیا اینها شما را پرستش میکردند؟ آنها میگویند: خداوندا تو منزّهی (از اینکه همتایی داشته باشی). تنها تو ولیّ ما هستی، (آنها ما را پرستش نمیکردند) بلکه جنّ را پرستش مینمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند»

با تمامی این تفاسیر و سخن ها، سالها قبل از ماجرای ولنتاین، ایرانیان باستان سپندارمذگان داشتند و این روز را روز عشق میدانستند . ما به عنوان یک جوان ایرانی و آریایی موظف هستیم که تاریخ و فرهنگ و پیشینه خود را بشناسیم و آن را گرامی داریم . سخن آخر اینکه خرس و شکلات هایتان را روز ولنتاین به کسانی که دوستشان داشتید هدیه دادید ، در روز سپندارمذگان کتاب به یکدیگر هدیه دهید زیرا یک رابطه سالم بیشتر از خرس قرمز و شکلات به شعور و آگاهی نیازمند است . ☺️

نویسنده : زهره عابدینی

